

# الیجاه - شماره چهار

برده‌داری

Jeff Pippenger

2023-10-01

شهادت ایلیا زمانی آغاز می‌شود که او اعلام می‌کند برای سه سال و نیم بارانی نخواهد بارید، مگر به کلام او.

و ایلیای تشبی که از ساکنان جلعاد بود، به آخاب گفت: به حیات یهوه، خدای اسرائیل، که در حضور او ایستاده‌ام، در این سال‌ها نه شبنم خواهد بود و نه باران، مگر به کلام من. اول پادشاهان ۱۷:۱

آن سه سال و نیم، نمایانگر تاریخ تیاتیرا از سال ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ است. در سال ۱۷۹۸، در پایان دوره خشکسالی، ایلیا آخاب را به کرمل فرا می‌خواند. پیام نخستین فرشته در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ساعت داوری خدا را اعلام کرد. پیام نخستین فرشته فرمانی بود به آخاب تا تمام اسرائیل را به کرمل فرا بخواند.

و چنین شد که چون آخاب ایلیا را دید، آخاب به او گفت: آیا تو همان کسی هستی که اسرائیل را به آشوب می‌اندازد؟ و او پاسخ داد: من اسرائیل را به آشوب نینداخته‌ام، بلکه تو و خاندان پدرت، زیرا شما فرامین خداوند را ترک کرده‌اید و تو از بعلم پیروی کرده‌ای. اکنون، پس بفرست و تمام اسرائیل را نزد من بر کوه کرمل گرد آور، و نیز پیامبران بعل، چهارصد و پنجاه تن، و پیامبران بیشه‌ها، چهارصد تن، آنان که بر سر سفره ایزابل می‌خورند. پس آخاب نزد تمام بنی‌اسرائیل فرستاد و پیامبران را بر کوه کرمل گرد آورد. و ایلیا نزد همه قوم آمد و گفت: تا به کی میان دو اندیشه دودل خواهید بود؟ اگر خداوند خداست، از او پیروی کنید؛ و اگر بعل، از او پیروی کنید. و قوم هیچ سخنی به او پاسخ ندادند. اول پادشاهان ۱۷:۱۸-۲۱

تمام اسرائیل در زمان ایلیا در کرمل گرد آمد، که خود نمایانگر تاریخ ویلیام میلر بود، زمانی که سه کلیسای مذکور در باب سوم کتاب مکاشفه گرد هم آمدند. کلیسایی که در آغاز، در سال ۵۳۸ برای رهایی از جفای ایزابل به بیابان گریخته بود — که کلیسای تیاتیره نماینده آن بود — از بیابان بیرون آمد تا به عنوان نسلی که می‌بایست با پیام ایلیا، که ویلیام میلر نماینده آن بود، روبه‌رو شود. سپس وحش زمین دهان خود را گشود و سیل جفایی را که به مدت هزار و دویست و شصت سال بر ضد او روانه شده بود، فرو برد.

و زمین به زن یاری رسانید، و زمین دهان خود را گشود و سیلاب را که از دهان خود بیرون افکند، بلعید. مکاشفه یوحنا ۱۶:۱۲.

در نبوت، «سخن گفتن یک ملت» عمل مقامات قانون‌گذاری و قضایی آن است، و در سال ۱۷۸۹ ایالات متحده سند الهی‌ای را که همان قانون اساسی ایالات متحده است بنیان نهاد و بدین‌سان از حقوق و آزادی‌های لازم برای مصون ماندن از آزار و اذیت هم پادشاهان اروپا و هم کلیسای کاتولیک مرتد صیانت کرد.

"گفتار ملت، عمل مقامات قانون‌گذاری و قضایی آن است." مناقشه بزرگ، ۴۴۳.

در سال ۱۷۸۹، درست پیش از آغاز نقش‌پیش‌گویانه ایالات متحده به‌عنوان ششمین پادشاهی پیشگویی‌های کتاب مقدس، آن مانند بره سخن می‌گفت، اما در هنگام قانون یکشنبه مانند اژدها سخن خواهد گفت.

و دیدم وحش دیگری که از زمین برمی‌آمد؛ و دو شاخ مانند بره داشت و مانند اژدها سخن می‌گفت. مکاشفه ۱۱:۱۳.

آغاز و پایان وحش زمین با سخن گفتن آن مشخص می‌شود. در سال ۱۷۹۸، آخاب همه اسرائیل را به کوه کرمل فرا خواند، جایی که ایلیا می‌خواست آزمونی برپا کند تا برای حاضران ثابت کند که خدای عبرانیان یا خدای ایزابل کدامیک خدای حقیقی است. ایزابل چهارصد و پنجاه پیامبر بعل و چهارصد پیامبر بیشه داشت. خدای دروغین بعل خدایی مذکر بود و خدای دروغین عشتروت خدایی مؤنث بود. آن دو گروه از پیامبران کاذب نمایانگر اتحاد کلیسا و دولت‌اند، زیرا در نبوت هرگاه زن و مردی با هم به تصویر کشیده می‌شوند، زن نمایانگر کلیسا و مرد نمایانگر دولت است. ایلیا با نسبت هشتصد و پنجاه به یک در اقلیت بود، هنگامی که با اتحاد نامقدس کلیسا و دولت روبه‌رو شد؛ اتحادی که در خدایان کاذب مؤنث و مذکر و نیز در ازدواج آخاب و ایزابل تجسم یافته بود. تصویر کلیسا و دولت در آخاب و ایزابل، فساد شاخ جمهوری‌خواهی را نشان می‌دهد و بعل و عشتروت نمایانگر فساد شاخ پروتستان‌تیس‌م‌اند.

موضوع، اعتراض ایلیا به دین فاسدی بود که تیاتیره در باب دوم مکاشفه نماینده آن است. ایلیا نمایانگر یک پروتستان بود، زیرا تنها تعریف پروتستان این است: کسی که علیه رم اعتراض می‌کند. اعتراض ایلیا نمایانگر اعتراضی است به ترکیب کلیسا و دولت که از طریق اتحاد نامقدس میان دولتی فاسد و کلیسایی فاسد صورت می‌گیرد.

لیکن چند چیز بر تو دارم، زیرا آن زن ایزابل را که خود را نبیه می‌خواند اجازه می‌دهی تا تعلیم دهد و بندگان مرا بفریبد تا زنا کنند و از چیزهایی که برای بت‌ها قربانی شده است بخورند. و به او فرصت دادم تا از زناکاری‌اش توبه کند؛ اما توبه نکرد. اینک او را بر بستر می‌افکنم و آنان را که با او زنا می‌کنند، مگر آنکه از اعمال خود توبه کنند، به تنگی عظیم دچار خواهم ساخت. مکاشفه ۲۰:۲-۲۲.

خوردن نمایانگر همان پیامی است که می‌پذیرید، و پیامی که برای بت‌ها قربانی می‌شود نمایانگر تعالیم کاتولیسیم است؛ یعنی همان نماد بت‌پرستی نفرت‌انگیز قوم خدا در قرون تاریک بسیاری از تعالیم بت‌پرستانه کاتولیسیم، به ویژه پرستش خورشید را پذیرفته بودند.

زنا رابطه‌ای نامشروع است و به‌طور نبوی نشان‌دهنده جوهره همان چیزی است که قانون اساسی منع می‌کند: پیوند کلیسا و دولت. آخاب در رابطه‌ای نامشروع با ایزابل بود، زیرا او به‌عنوان پادشاه اسرائیل نباید با شاهزاده بانویی مشرک ازدواج می‌کرد. عیسی، یوحنا تعمیددهنده را ایلیا معرفی کرد، و خود یوحنا نیز با همان رابطه ناپاک روبه‌رو شد، هنگامی که هیرودیس را به‌خاطر ازدواج با هیرودیاس، زن برادرش، توبیخ کرد.

زیرا هیرودیس یوحنا را دستگیر کرده بود، او را بسته بود و به‌خاطر هیرودیاس، زن برادرش فیلیپس، به زندان انداخته بود. زیرا یوحنا به او می‌گفت: روا نیست که او را داشته باشی. متی ۱۴:۳، ۴

رویاریوی ایلیا با آخاب و ایزابل پیش‌نمونه‌ای از رویاریوی یوحنا با هیرودیس و هرودیاس بود، زیرا هر دو رابطه نمایانگر پیوند نامشروع کلیسا و دولت بودند. این دو با هم نمایانگر پیام ایلیا نزد صد و چهل و چهار هزارند؛ همانانی که با پاپیت (ایزابل و هرودیاس)، ده پادشاه که نماینده سازمان ملل متحدند (آخاب و هرودیاس)، و ایالات متحده که نماینده نبی کاذب است (پیامبران کاذب کرمل و سالومه، دختر هرودیاس) روبه‌رو می‌شوند.

زمینه نبوی در کرمل شامل دفاع ایلیا از قانون اساسی ایالات متحده است که اصل جدایی دین از دولت را تثبیت می‌کند.

و چنین شد که چون آخاب ایلیا را دید، آخاب به او گفت: آیا تو هستی که اسرائیل را به آشوب می‌اندازی؟ او پاسخ داد: من اسرائیل را به آشوب نینداخته‌ام؛ بلکه تو و خاندان پدرت چنین کرده‌اید، زیرا شما فرمان‌های خداوند را ترک کرده‌اید و تو از بعلم پیروی کرده‌ای. اول پادشاهان  
۱۸، ۱۸:۱۷

قانون اساسی مقرر کرد که دو شاخ جمهوری‌خواهی و پروتستانیسم همواره از یکدیگر جدا بمانند. اما مکاشفه نشان می‌دهد که وقتی ایالات متحده در نهایت مانند اژدها سخن بگوید، این کار را زمانی خواهد کرد که کلیساهای مرتد ایالات متحده زمام امور را به دست گیرند و با دولت مرتد متحد شوند.

اما «تصویر برای وحش» چیست؟ و چگونه باید شکل بگیرد؟ این تصویر به دست وحش دوشاخ ساخته می‌شود و تصویری برای آن وحش است. همچنین «تصویر وحش» نیز خوانده می‌شود. پس برای اینکه بدانیم این تصویر چگونه است و چگونه باید شکل بگیرد، باید ویژگی‌های خود آن وحش، یعنی پاپیت، را مطالعه کنیم.

وقتی کلیسای اولیه با دور شدن از سادگی انجیل و پذیرفتن آیین‌ها و رسوم بت‌پرستانه فاسد شد، روح و قدرت خدا را از دست داد؛ و برای کنترل وجدان‌های مردم، در پی حمایت قدرت دنیوی برآمد. نتیجه آن نظام پاپی بود: کلیسایی که قدرت دولت را در اختیار گرفت و آن را برای پیشبرد مقاصد خود، به‌ویژه برای مجازات «بدعت»، به کار برد. برای آن‌که ایالات متحده تصویری از وحش پدید آورد، قدرت دینی باید چنان بر حکومت مدنی مسلط شود که اقتدار دولت نیز به دست کلیسا برای تحقق مقاصد خود او به کار گرفته شود. مناقشه بزرگ، ۴۴۳.

ایلیا در کوه کرمل نماد کار پیروان میلر بود، و پیروان میلر در تقابل با کسانی که به‌تازگی از زیر نفوذ کاتولیسیسم بیرون آمده بودند اما با رد نور فرشته نخست بازگشت به روم را برگزیدند، به‌عنوان پیامبر حقیقی شناخته شدند. از این رو، پیام فرشته دوم در بهار ۱۸۴۴ عبارت بود از معرفی فرقه‌های پروتستان به‌عنوان دختران بابل، و پیروان میلر به‌عنوان شاخ اصیل پروتستان.

وقتی خدا قوم اسرائیل باستان را از بردگی مصر بیرون آورد و از میان آب‌های دریای سرخ عبور داد، او روندی تدریجی از آزمون‌ها را آغاز کرد که با آزمون من آسمانی شروع شد.

«نور انباشته قرون گذشته بر ما می‌تابد. گزارش فراموشی قوم اسرائیل برای روشنگری ما محفوظ مانده است. در این عصر، خدا دست به کار شده است تا مردمی از هر قوم، قبیله و زبان را برای خود گرد آورد. در جنبش ظهور، او برای میراث خود عمل کرده است، همان‌گونه که برای بنی‌اسرائیل در بیرون آوردنشان از مصر عمل کرد. در سرخوردگی بزرگ سال ۱۸۴۴، ایمان قوم او آزموده شد، همان‌گونه که ایمان عبرانیان نزد دریای سرخ آزموده شد.» گواهی‌ها، جلد ۸، صفحات ۱۱۵ و ۱۱۶.

نامیدی ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به درک قدس آسمانی انجامید؛ به دنبال آن، آزمون سبت مطرح شد، همان‌گونه که آزمون من نخستین سلسله‌ای از ده آزمون برای اسرائیل باستان شد.

خداوند در سال ۱۸۴۷، هنگامی که برادران در روز سبت در تاپشم ایالت مین گرد هم آمده بودند، رؤیای زیر را به من داد.

ما روح دعا را به شکلی غیرمعمول احساس کردیم. و هنگامی که دعا می‌کردیم، روح‌القدس بر ما نازل شد. بسیار شاد بودیم. به‌زودی از هرچه زمینی بود فارغ شدم و در رؤیایی از جلال خدا غرق شدم. دیدم فرشته‌ای با شتاب به سوی من پرواز می‌کند. او به‌سرعت مرا از زمین به شهر مقدس

برد. در آن شهر معبدی دیدم و وارد آن شدم. پیش از آنکه به نخستین پرده برسم، از دری گذشتم. این پرده کنار زده شد و من به قدس وارد شدم. در آنجا مذبح بخور، چراغدان با هفت چراغ، و میزی را دیدم که نان‌های تقدیمی بر آن بود. پس از مشاهده جلال قدس، عیسی پرده دوم را بالا زد و من به قدس‌الاقداس وارد شدم.

در قدس‌الاقداس دیدم که تابوتی هست؛ سطح فوقانی و جوانب آن از خالص‌ترین طلا پوشیده بود. بر هر سر تابوت یک کروی زیبا بود که بال‌هایش را بر آن گسترده بود. صورت‌هایشان به سوی یکدیگر بود و به پایین می‌نگریستند. میان آن فرشتگان مجمره‌ای زرین بود. بر فراز تابوت، همان‌جا که فرشتگان قرار داشتند، جلالی بسیار درخشان بود که چون تختی می‌نمود که خدا بر آن سکونت دارد. عیسی در کنار تابوت ایستاده بود، و چون دعاهای مقدسان نزد او بالا می‌آمد، بخور در مجمره دود برمی‌خاست و او دعاهای آنان را با دود بخور به حضور پدرش تقدیم می‌کرد. در تابوت، کوزه طلایی من، عصای هارون که شکوفه آورده بود، و الواح سنگی که مانند کتابی بر هم تا می‌شدند، قرار داشت. عیسی آنها را گشود و دیدم که ده فرمان با انگشت خدا بر آنها نوشته شده است. بر یکی چهار فرمان بود و بر دیگری شش فرمان. آن چهار فرمان لوح نخست از شش فرمان دیگر درخشان‌تر می‌درخشیدند. اما چهارمی، یعنی فرمان سبت، از همه نورانی‌تر می‌درخشید؛ زیرا سبت جدا نهاده شده بود تا به احترام نام قدوس خدا نگه داشته شود. سبت مقدس باشکوه می‌نمود؛ هاله‌ای از جلال دور تا دور آن را فرا گرفته بود. دیدم که فرمان سبت به صلیب می‌خکوب نشده بود. اگر چنین می‌بود، آن نه فرمان دیگر نیز چنین می‌بود؛ و آنگاه آزاد بودیم همه آنها را، همچون چهارمی، زیر پا بگذاریم. دیدم که خدا سبت را تغییر نداده است، زیرا او هرگز تغییر نمی‌کند. اما پاپ آن را از روز هفتم به روز نخست هفته تغییر داده بود؛ زیرا بنا بود زمان‌ها و قوانین را تغییر دهد. نوشته‌های آغازین، ۳۲.

وقتی پروتستان‌ها در سال ۱۷۹۸ از عصر تاریک بیرون آمدند و مهر کتاب دانیال گشوده شد، ششمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس، یعنی وحش زمینی دوشاخ‌دار باب سیزدهم مکاشفه، گام در مسیر تاریخ نبوی نهاد. پروتستان‌تیسیم بر سند مقدسی به نام کتاب مقدس بنا شد و جمهوریت بر سند مقدسی به نام قانون اساسی. خدا، کلیسای خود در بیابان را از عصر تاریکی بیرون آورده بود، اما همان‌گونه که در دوران بردگی در مصر برای اسرائیل باستان رخ داده بود، فرمان سبت فراموش شده بود. چنان‌که اسرائیل در مسیر دریافت شریعت در سینا از دریای سرخ گذشت، اسرائیل امروزی نیز در مسیر خود به سوی ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ از اقیانوس اطلس عبور کرد، جایی که شریعت بار دیگر آشکار می‌گشت. خداوند بار دیگر قومی را برمی‌انگیخت تا امانت‌داران شریعت او و امانت‌داران مکاشفات نبوی او باشند و ردای پروتستان‌تیسیم را به دوش بکشند. به اسرائیل باستان دو لوح ده فرمان به‌عنوان نماد رسالتشان برای امانت‌داری شریعت او داده شد، و به اسرائیل امروزی دو لوح حقوق به‌عنوان نماد رسالتشان به‌منزله امانت‌داران کلام نبوی او.

اسرائیل معاصر می‌بایست هنگام ارائه پیام فرشته سوم به جهان، یعنی همان پیامی که حاملان ردای پروتستان‌تیسیم اعلام می‌کنند، هر دو مجموعه دو لوح را با خود حمل می‌کرد. پروتستان‌تیسیمی که از دوران تاریک قرون وسطی بیرون آمد، آن زمان هنوز کامل نبود، همان‌گونه که اسرائیل باستان هنگام گذر از دریای سرخ کامل نشده بود. پروتستان‌تیسیم شعار «کتاب مقدس و فقط کتاب مقدس» را اعلام کرده بود، اما به سبب قرن‌ها تغذیه از آموزه‌های مشرکانه کلیسای کاتولیک رومی (چیزهای قربانی‌شده برای بت‌ها)، فهمی ناقص از کلام خدا داشت. خدا مقرر کرده بود که پروتستان حقیقی تمام کلام خدا را نمایندگی کند، چنان‌که با «شریعت و پیامبران» نمادین شده است؛ دو مجموعه دو لوح که هم کار قوم خدا و هم سرشت خدا را نمایندگی می‌کنند. کار فرشته نخست این بود که قومی پروتستان اصیل پدید آورد که امینان شریعت او و کلام نبوی او باشند.

خدا در این روزگار کلیسای خود را، همان‌گونه که اسرائیل باستان را فراخواند، فراخوانده است تا چون نوری در جهان بایستد. به وسیله تیر نیرومند حقیقت، یعنی پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم، آنان را از کلیساهای و از جهان جدا ساخته است تا ایشان را به نزدیکی مقدسی با خود بیاورد. او ایشان را امینان شریعت خود ساخته و حقایق عظیم نبوت برای این زمان را به آنان سپرده است. همان‌گونه که اقوال مقدس به اسرائیل باستان سپرده شده بود، این‌ها نیز امانتی مقدس‌اند که باید به جهان ابلاغ شوند. سه فرشته مکاشفه ۱۴ نمایانگر مردمی هستند که نور پیام‌های خدا را می‌پذیرند و به‌عنوان کارگزاران او بیرون می‌روند تا هشدار را در سراسر طول و عرض زمین طنین‌انداز کنند. گواهی‌ها، جلد ۵، ۴۵۵.

هشدار که کسانی که به‌عنوان امانت‌داران دو مجموعه دو لوح شناخته شده‌اند باید اعلام کنند، علیه پذیرفتن نشان کاتولیسیسم است. آن اعتراض علیه رابطه نامشروع آخاب و ایزابیل است و ایلیا آن را بر کوه کرمل نمایان ساخت. دادن دو لوح سنگی در کوه سینا، نمونه‌ای از دادن دو لوح پارچه‌ای حقوق در سال‌های ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۹ بود. دو لوح حقوق نماد رابطه عهد میان خدا و قوم پروتستان اوست. رد کردن آن لوح‌ها همانند رد کردن شریعت خدا از سوی اسرائیل باستان خواهد بود.

پیروان میلر وارد قدس‌الاقداص شدند و نور سبت را دریافت کردند، اما فرایند آزمون هنوز به پایان نرسیده بود. هم‌زمان شاخ جمهوری در همان سیر تاریخی پیش می‌رفت. و هر دو شاخ در پیشروی مشترک خود در سال ۱۸۶۳ به نقطه عطفی دست یافتند.

پیام ایلیای میلر یک فرایند تطهیر تدریجی پدید آورد که هدف آن استقرار شاخ پروتستان بود، و در همان دوره تاریخی، شاخ جمهوری خواه نیز با یک فرایند تدریجی توسعه سیاسی همراه بود. هر دو شاخ بر همان وحش زمین‌اند، پس باید در سراسر تاریخ وحش زمین همگام سیر کنند.

نخستین ویژگی نبوی شاخ جمهوری خواه وحش زمین، اقدام به سخن گفتن قانون اساسی برای لازم‌الاجرا شدن آن در سال ۱۷۸۹ بود. در سال ۱۷۹۸ (زمان پایان، هنگامی که کتاب دانیال مهرگشایی شد)، وحش زمین برای نخستین بار به‌عنوان ششمین پادشاهی پیشگویی‌های کتاب مقدس سخن گفت. ۱۷۹۸ سرآغاز ایالات متحده به‌عنوان ششمین پادشاهی پیشگویی‌های کتاب مقدس بود، و سخن گفتنی که در آغاز تاریخ وحش زمین در ۱۷۹۸ رخ داد، نمونه‌واره‌ای از آخرین باری بود که آن ششمین پادشاهی سخن خواهد گفت، و آن زمان به‌صورت صدای اژدها نمایانده شده است. وقتی قوانین به تصویب رسیده توسط شاخ جمهوری خواه در ایالات متحده در سال ۱۷۹۸ را در نظر می‌گیریم، باید انتظار داشته باشیم نمونه‌واره‌ای از قوانینی را ببینیم که هم‌زمان با «قانون یکشنبه»، زمانی که ایالات متحده چون اژدها سخن می‌گوید، تصویب خواهند شد. هنگامی که چهار قانون زیر را بررسی می‌کنیم، از خود بپرسید آیا آن چهار قانون مصوب ۱۷۹۸ امضای نبوی آلفا و امگا را دارند؟

در سال ۱۷۹۸، ایالات متحده چند قانون مهم را که به «قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی» شناخته می‌شوند تصویب کرد. این قوانین مجموعه‌ای از چهار قانون بودند که توسط کنگره تحت کنترل فدرالیست‌ها به تصویب رسیدند و با امضای رئیس‌جمهور جان آدامز، دومین رئیس‌جمهور ایالات متحده و معاون پیشین رئیس‌جمهور جورج واشینگتن، به قانون تبدیل شدند.

قانون تابعیت: این قانون شرط اقامت لازم برای مهاجران برای دریافت شهروندی ایالات متحده را از ۵ به ۱۴ سال افزایش داد. هدف اصلی آن مهار نفوذ مهاجران تازه‌وارد بود که اغلب با حزب مخالف، دموکرات-جمهوری‌خواهان، همسو بودند.

قانون دوستان بیگانه: این قانون به رئیس‌جمهور اختیار می‌داد در دوران صلح، اتباع بیگانه‌ای را که تهدیدی برای امنیت ایالات متحده تلقی می‌شدند از کشور اخراج کند. این قانون به رئیس‌جمهور اجازه

می‌داد هر تبعه بیگانه‌ای را که خطرناک تشخیص می‌داد بازداشت و از کشور اخراج کند. قانون بیگانگان دشمن: این قانون اجازه دستگیری، بازداشت و اخراج شهروندان کشورهای در حال جنگ با ایالات متحده را می‌داد. این قانون به‌عنوان اقدامی احتیاطی در فضای پرتنش اواخر دهه ۱۷۹۰ به تصویب رسید.

قانون فتنه‌انگیزی: این، بحث‌برانگیزترین قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی است. این قانون انتشار نوشته‌های «دروغین، رسواکننده و مغرضانه» علیه دولت یا مقام‌های آن را، با قصد بدنام کردن یا بی‌اعتبار ساختن آن‌ها، جرم تلقی می‌کرد. منتقدان این را حمله‌ای مستقیم به آزادی بیان و آزادی مطبوعات می‌دانستند.

قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی بسیار جنجالی بودند و با مخالفت قابل توجهی از سوی دموکرات-جمهوری‌خواهان روبه‌رو شدند؛ کسانی که معتقد بودند این قوانین حقوق بنیادین قانون اساسی را نقض کرده و حزب سیاسی آنان را هدف قرار داده است. آنها استدلال می‌کردند که این قوانین تعدی به مضمون اول قانون اساسی است، که از آزادی بیان و مطبوعات حفاظت می‌کند. در نهایت، این قوانین در انتخابات ۱۸۰۰ نقش داشتند و هنگامی که توماس جفرسون و دموکرات-جمهوری‌خواهان ریاست‌جمهوری و کنگره را به دست آوردند، این امر به لغو قانون فتنه‌انگیزی انجامید.

حزب دموکرات-جمهوری‌خواه بر این باور بود که این قوانین حقوق بنیادینی را که قانون اساسی پاس می‌دارد نقض می‌کنند، و نیز معتقد بود که این قوانین حزب سیاسی رقیب را هدف گرفته‌اند. این اهمیت‌ناپذیری ندارد که این قوانین لغو شدند یا بعدها منقضی شدند؛ آلفا و امگا پایان را با آغاز نشان می‌دهد. در آن دوره تاریخی که این قوانین تصویب شدند یا «گفته» شدند که قانون‌اند، حزب فدرالیست با مخالفت حزبی به نام دموکرات-جمهوری‌خواهان روبه‌رو بود. تحول حزب دموکرات-جمهوری‌خواه در نهایت به پیدایش حزب جمهوری‌خواه انجامید؛ حزبی که عمده‌تاً بر پایه موضع ضد برده‌داری گرد هم آمد.

مورخان، ۱۸۶۳ را دقیقاً نقطه مرکزی جنگ داخلی می‌دانند؛ جنگی که بر مسئله برده‌داری بنا شده بود. ۱۸۶۳ همچنین برای پرچمداران جدید شاخ پروتستان نشانه راه است؛ کسانی که سپس نخستین پیشگویی زمانی داده‌شده به میلر از سوی فرشتگان را رد کردند (پیشگویی «هفت بار» از سفر لاویان، فصل بیست‌وشش). آیا ممکن است صرفاً یک تصادف باشد که پیشگویی «هفت بار» دقیقاً بر قوانین برده‌داری مقرر در فصل پیشین سفر لاویان بنا شده است؟ «لعنت»ی که با «هفت بار» شناخته می‌شود، وعده می‌داد که اگر قوانین عهد فصل بیست‌وپنج زیر پا گذاشته شوند، اسرائیل تاریخ خود را با بازگشت به همان برده‌داری‌ای که در آغاز سفرش، کنار دریای سرخ، از آن بیرون آورده شده بود، به پایان خواهد رساند.

از ۱۷۹۸ تا ۱۸۶۳، حزب سیاسی دموکرات-جمهوری‌خواه دستخوش مجموعه‌ای از تصفیه‌ها یا تکان‌ها شد. از ۱۷۹۸ به بعد، و به‌ویژه از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۱۸۶۳، جنبش میلریتی دستخوش مجموعه‌ای از تصفیه‌ها و تکان‌ها شد.

حزب دموکرات-جمهوری‌خواه، که یکی از احزاب سیاسی اولیه در ایالات متحده بود، به‌طور مستقیم به حزب جمهوری‌خواه مدرن امروز تبدیل نشد. در عوض، در طول زمان دستخوش مجموعه‌ای از تغییرات و انشعاب‌ها شد و سرانجام پیش از ظهور حزب جمهوری‌خواه، به شکل‌گیری چندین حزب سیاسی متفاوت انجامید.

حزب دموکرات-جمهوری خواه، که اغلب با توماس جفرسون و جیمز مدیسون پیوند داده می شود، در اواخر قرن هجدهم به عنوان پاسخی به حزب فدرالیست تأسیس شد. دموکرات-جمهوری خواهان از تفسیر سخت گیرانه قانون اساسی، حقوق ایالات و منافع کشاورزی حمایت می کردند.

با این حال، تا دهه ۱۸۲۰، حزب دموکرات-جمهوری خواه در امتداد تقسیم بندی های منطقه ای و ایدئولوژیک دچار انشقاق شد. انشعاب اصلی در دوران «احساسات خوش» (۱۸۱۷-۱۸۲۵) رخ داد، زمانی که مخالفت نیرومندی با ریاست جمهوری جیمز مونرو وجود نداشت. این دوره آرامش سیاسی به افول حزب دموکرات-جمهوری خواه انجامید. این حزب در نهایت به چند جناح تقسیم شد و به گروه های سیاسی زیر تبدیل شد:

حزب دموکرات: پیروان اندرو جکسون، که او در سال ۱۸۲۹ هفتمین رئیس جمهور شد، حزب دموکرات را تشکیل دادند. دموکرات های جکسونی از یک قوه مجریه قدرتمند، گسترش به سوی غرب، و حق رأی گسترده تر برای مردان سفیدپوست حمایت می کردند.

حزب جمهوری خواه ملی: این حزب در واکنش به ریاست جمهوری اندرو جکسون پدید آمد و بعدها با دیگر گروه های ضد جکسون ادغام شد تا حزب ویگ را تشکیل دهد. جمهوری خواهان ملی به طور کلی گرایش بیشتری به حمایت از دولت فدرال قدرتمند و توسعه اقتصادی داشتند.

حزب ضد فراماسونری: این حزب سیاسی کوتاه عمر در دهه ۱۸۲۰ پدیدار شد، عمدتاً در واکنش به نگرانی ها درباره نفوذ انجمن مخفی فراماسونری. این حزب برخی از دموکرات-جمهوری خواهان پیشین را در خود جذب کرد.

حزب ویگ: این حزب در دهه ۱۸۳۰ تشکیل شد و شامل جمهوری خواهان ملی سابق، ضد فراماسون ها و دیگر گروه های مخالف بود. مشخصه آنان مخالفت با سیاست های جکسونی، حمایت از دولت فدرال نیرومند و ترویج توسعه صنعتی و اقتصادی بود.

حزب جمهوری خواه امروزی در دهه ۱۸۵۰ به عنوان پاسخی مستقیم به تنش های فزاینده منطقه ای بر سر برده داری بنیان گذاری شد. این حزب ویگ های سابق، دموکرات های مخالف برده داری، اعضای حزب خاک آزاد و دیگرانی را که با گسترش برده داری به قلمروهای جدید مخالف بودند، به خود جذب کرد. نخستین نامزد ریاست جمهوری حزب جمهوری خواه، جان سی. فریمونت، در انتخابات ۱۸۵۶ شرکت کرد و نخستین نامزد پیروز این حزب، آبراهام لینکلن، در سال ۱۸۶۰ برگزیده شد. بنابراین، حزب جمهوری خواه جدا از سنت دموکرات-جمهوری خواه پدید آمد و در تاریخ سیاسی آمریکا مسیر متمایزی را پیمود.

تا سال ۱۸۶۰، حزب جمهوری خواه نخستین رئیس جمهور خود را انتخاب کرد. این حزب بر پایه ائتلافی از احزاب سیاسی مخالف برده داری شکل گرفته بود. در سال ۱۸۶۳، اعلامیه آزادی بردگان با "گفتن" برده داری را از میان برد. در سال ۱۸۶۳، شاخ جمهوری خواه که در آن زمان توسط حزب جمهوری خواه نمایندگی می شد، با "گفتن" برده داری را از میان برد، در حالی که شاخ پروتستان از حالت یک جنبش خارج شد و به کلیسای ادونتیست روز هفتم تبدیل شد. جنبش میلی ها در ماه مه ۱۸۶۳ از نظر قانونی و رسمی پایان یافت، و در همان سال سوگند موسی، یعنی پیشگویی برده داری، رد شد. هر که گوش شنوا دارد، بشنود.

در این مقطع، ارائه ی مروری کوتاه بر «سوگند موسی»، با عنوانی که پیامبر دانیال بر آن نهاده است، می تواند آگاهی بخش باشد.

بلی، تمامی اسرائیل از شریعت تو سرپیچی کرده‌اند، با روی گرداندن، تا از صدای تو اطاعت نکنند؛ از این رو لعنت و سوگندی که در شریعت موسی، بنده خدا، نوشته شده، بر ما فرو ریخته است؛ زیرا بر ضد او گناه کرده‌ایم. دانیال ۹:۱۱

ویلیام میلر که هنگام مطالعه کلام خدا به وسیله جبرئیل و فرشتگان دیگر هدایت می‌شد، نخست به «هفت بار» در لاویان، باب بیست‌وشش رهنمون شد. گواهی میلر این است که در مطالعه کتاب مقدس از سفر پیدایش آغاز کرد و بنابراین آشکار است که بسیار پیش از آنکه به دو هزار و سیصد سال دانیال، باب هشت، آیه چهارده برسد، به لاویان رسیده بود. او منحصراً از کتاب مقدس و یک کنکوردانس کردن استفاده می‌کرد.

کنکوردانس کردن هیچ ارجاعی به واژه‌های عبری یا یونانی که سپس به انگلیسی کتاب مقدس کینگ جیمز ترجمه شدند، ندارد. میلر برای هدایت درک خود از یک واژه یا قطعه‌ای از کتاب مقدس، «سیاق» قطعه‌ای را که مطالعه می‌کرد در نظر می‌گرفت. در مورد درک او از «هفت بار»، به سادگی می‌توان دید که سیاق «هفت بار» در باب بیست‌وشش لاویان، باب بیست‌وپنج است.

فصل بیست‌وپنج به استراحت زمین، یوبیل و قوانین برده‌داری می‌پردازد. قوانین فصل بیست‌وپنج بخشی از «شریعت موسی، بنده خدا» است که در صورت اطاعت برکت به بار می‌آورد و در صورت نافرمانی «لعنت» به دنبال دارد. در فصل بیست‌وشش، لعنت «هفت برابر» معادل دوهزار و پانصد بیست سال است و در چارچوب آشکار قوانین استراحت زمین و اصول برده‌داری بیان می‌شود. در فصل بیست‌وشش این کیفر «مخاصمه عهد من» نامیده می‌شود.

پس من نیز بر خلاف شما رفتار خواهم کرد و به سبب گناهانتان شما را هفت بار دیگر تنبیه خواهم نمود. و شمشیری بر شما خواهم آورد تا به سبب نقض پیمان من انتقام گیرد؛ و چون در میان شهرهایتان گرد آید، طاعون را در میان شما می‌فرستم و به دست دشمن سپرده خواهید شد. لاویان 24:26، 25.

در سیاق، «عهد»ی که خدا بر سر آن «مخاصمه» دارد همان عهدی است که پیش‌تر در فصل بیست‌وپنج یاد شده است. مجازات «هفت بار» «مخاصمه» خدا بر سر «عهد» نامیده می‌شود و «لعنت» پیوسته به آن این است که اسرائیل «به دست دشمنانشان سپرده شوند»، و چون به سرزمین دشمنان درآیند (همان‌گونه که دانیال بود)، اسرائیل بردگان دشمنان خود خواهند شد.

وقتی موسی باب بیست‌وششم سفر لاویان را نوشت، اسرائیل باستان تازه از بردگی مصر رها شده بود و اصول مربوط به بردگی که در باب بیست‌وپنجم بیان شده بود، یا موجب برکت می‌شد یا موجب لعنت. اسرائیل باستان هرگز احکام سال یوبیل را رعایت نکرد و نهایتاً هم پادشاهی شمالی و هم پادشاهی جنوبی برای «هفت زمان» پراکنده شدند تا آنچه دانیال «لعنت موسی» خواند، تحقق یابد.

رابطه عهدی میان خدا و اسرائیل که با بردگی آنان در مصر آغاز شده بود، با بردگی آنان به دست آشور و بابل پایان یافت. «هفت زمان» علیه پادشاهی شمالی در سال 1798 پایان یافت و «هفت زمان» علیه پادشاهی جنوبی در سال 1844 پایان پذیرفت. نقطه آغاز این دو دوره «هفت زمان» در فصل هفتم کتاب اشعیا با پیشگویی‌ای درباره شصت و پنج سال مشخص شده است که اشعیا آن را در سال 742 پیش از میلاد به شاه آحاز یهودا اعلام کرد.

زیرا سر سوریه دمشق است و سر دمشق رصین؛ و تا شصت و پنج سال دیگر افرایم چنان درهم شکسته خواهد شد که دیگر قومی نباشد. و سر افرایم سامره است و سر سامره پسر رملیا. اگر ایمان نیاورید، یقیناً برقرار نخواهید ماند. اشعیا ۷:۸، ۹.

اشعیا مشخص کرده بود که «در مدت» شصت و پنج سال از زمانی که این نبوت در 742 پیش از میلاد اعلام شد، پادشاهی شمالی از هم خواهد پاشید. نوزده سال بعد، در 723 پیش از میلاد، پادشاهی شمالی اسرائیل به دست پادشاه آشور به بردگی گرفته شد و چهل و شش سال بعد پادشاه بابل در 677 پیش از میلاد پادشاهی جنوبی یهودا را به بردگی برد. این نبوت شصت و پنج ساله شش نقطه عطف تاریخی پدید می‌آورد. نخستین آن 742 پیش از میلاد است، زمانی که این پیشگویی مطرح شد. نوزده سال بعد، در 723 پیش از میلاد، پادشاهی شمالی به دست آشوریان به بردگی گرفته شد. چهل و شش سال بعد، در 677 پیش از میلاد، پادشاهی جنوبی به دست بابلیان به بردگی گرفته شد. نخستین دوره 2520 ساله که در 723 پیش از میلاد آغاز شد، در 1798 پایان یافت. سپس در 1844 دوره 2520 ساله‌ای که در 677 پیش از میلاد آغاز شده بود، به پایان رسید. از 1844، این پیشگویی نوزده سال امتداد یافت و در 1863 برای تکمیل کل ساختار نبوی به انجام رسید، زیرا وقتی آلفا و امگا نوزده سال را برای آغاز این ساختار نشان‌گذاری کرد، باید نوزده سال نیز برای رسیدن به پایان آن وجود داشته باشد.

اسرائیل باستان از بندگی مصر رهایی یافت، و به سبب نافرمانی، هر دو پادشاهی شمالی و جنوبی دوباره به بندگی بازگشتند. نبوت‌ها از تاریخ نبوی اسرائیل جسمانی باستان فراتر رفته و به اسرائیل روحانی معاصر می‌رسند و بدین‌سان، موضوع همه نشانه‌های راه نبوی، بندگی است.

نبوت باب هفتم اشعیا در سال ۷۴۲ قبل از میلاد، زمانی که جنگ داخلی قریب‌الوقوعی میان شمال و جنوب در حال آشکار شدن بود، به وسیله اشعیا به پادشاه شریح آراز ارائه شد. پادشاهی جنوبی آراز، سرزمین پرچال حقیقی اسرائیل باستان بود. در سال ۱۷۹۸، سرزمین پرچال روحانی نبوت کتاب مقدس به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس به حکومت رسید. وقتی هفت زمان علیه سرزمین پرچال حقیقی در سال ۱۸۴۴ به پایان رسید، همچون تاریخ پادشاه آراز، جنگ داخلی قریب‌الوقوعی در پیش بود. تا سال ۱۸۴۴، آشوب ناشی از فروپاشی احزاب سیاسی و شکل‌گیری ائتلاف‌ها کمابیش به دو دسته از گرایش‌های سیاسی سامان یافته بود. از نظر برده‌داری، دموکرات‌ها طرفدار برده‌داری و جمهوری‌خواهان مخالف برده‌داری بودند. از ۱۷۹۸ تا آغاز جنگ داخلی در ۱۸۶۰، روند شکل‌گیری دو دسته احزاب سیاسی تثبیت شده بود.

آراز سرزمین پرچال واقعی را نمایندگی می‌کرد و از این‌رو نمونه سرزمین پرچال روحانی بود. تاریخ آراز نماد تاریخ نبوی است که در آن در سال ۷۴۲ پیش از میلاد نبوت اعلام شد و از این‌رو نماد تاریخی نیز هست که در آن نبوت پایان یافت. در آغاز تاریخ، پادشاهی شمالی که از ده قبیله تشکیل می‌شد، در اعتراض به حکومتی که خدا برای دو قبیله جنوبی برقرار کرده بود، از آن دو قبیله جدا شده بود. ده قبیله شمالی کنفدراسیونی با سوریه تشکیل داده بودند که نماد اتحاد میان کنفدراسیون جنوبی و قدرتی بود که به‌طور نمادین توسط سوریه نمایندگی می‌شود.

این خلاصه کوتاه نشان می‌دهد که «هفت برابر» در لایوان باب بیست‌وشش، وعده‌ای عهدی است که یا برکت اطاعت را مقرر می‌دارد یا «لعنت» بردگی را برای نافرمانی. پادشاهی‌های شمالی و جنوبی با هم، به‌عنوان یک ملت واحد که از بردگی رها شده بود، آغاز شدند؛ اما در پایان‌های جداگانه‌شان، هر یک دوباره به بردگی افتادند.

آن شصت و پنج سال پایانی آن پیشگویی‌های بردگی با حضور اسرائیل روحانی در سرزمین روحانی پرچال، درست در کانون یک جنگ داخلی شمال علیه جنوب، به پایان رسید. یکی از طرف‌های متخاصم در آن جنگ داخلی، پادشاهی‌ای بود که یک کنفدراسیون تشکیل داد و از حکومتی که از سوی خدا برقرار شده بود و در پادشاهی مقابل مستقر بود جدا شد.

از سال ۱۷۹۸ به بعد تا جنگ داخلی، بانگ جمهوری خواهی دستخوش فرایندی شد که دو دسته از متخاصمان سیاسی پدید آورد که دو سوی مسائل برده‌داری را نمایندگی می‌کردند. متخاصمان طرفدار برده‌داری که در پی ادامه برده‌داری بودند، در نبرد شکست خوردند.

از ۱۷۹۸ تا جنگ داخلی، شاخ پروتستانیسم دستخوش فرایندی شد که دو دسته از ستیزه‌گران مذهبی پدید آورد که نماینده دو سوی مسائل برده‌داری بودند. ستیزه‌گران طرفدار برده‌داری که می‌کوشیدند برداشت اولیه از پیشگویی برده‌داری را ادامه دهند، نبرد را باختند.

در سال ۱۸۶۳، شیپور جمهوری خواهی موفق شد رویه برده‌داری را رد کند.

در سال ۱۸۶۳، شیپور پروتستانیسم در رد پیش‌گویی برده‌داری موفق شد.

با این کار آنان کار میلر، که الیاس زمان خودش بود، را رد کردند. با این کار همچنین «سوگند موسی» که سنگ بنای زمان خودش بود را نیز رد کردند. سپس موسی و الیاس رد شدند، اما در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بازگشتند.

آلفا و امگا، زبان‌شناس شگفت‌انگیز، امضای الهی خود را در سراسر پیشگویی زمانی «سوگند موسی» ثبت کرد؛ همان که او خود آن را به‌عنوان پالمونی، شمارنده شگفت، اعلام کرد. اگر ایمان نیاورید، یقیناً استوار نخواهید شد.